

کاهش واکه /a/ به /e/ پس از وندافزایی در گویش فارسی مزینانی و تحلیل آن از دیدگاه‌های متفاوت

شراره سادات سرسرابی، عضو هیئت علمی گروه زبان انگلیسی دانشگاه فرهنگیان، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
ابوالفضل مزینانی، مدرس مدعو گروه زبان انگلیسی دانشگاه فرهنگیان، مشهد، ایران

صص: ۷۷-۹۹

چکیده

کاهش واکه‌ای به طرز قابل توجهی در مطالعات پیشین بویژه از سوی کراسوایت (۲۰۰۰)، هریس (۲۰۰۵) و انگاره [AIU] اندرسون (۱۹۹۶) بررسی و دسته‌بندی شده‌است. پژوهش حاضر نیز با هدف گزارش کاهش واکه /a/ به /e/ پس از وندافزایی و ترکیب صورت گرفت که در گویش فارسی مزینانی (سبزوار-خراسان رضوی) مشاهده می‌گردد. این کاهش در چارچوب نظریه بهینگی توصیف و با رویکردها و دسته‌بندی‌های پیش‌گفته تبیین شد. لذا، تعمیم زیر از منظر بهینگی به دست آمد: در این گویش، واکه /a/ در هجای فاقد تکیه ناشی از انتقال جایگاه تکیه در اثر وندافزایی و ترکیب با محیط همگون و به واکه /e/ تبدیل شده و این امر با یک درجه افزایش آن محقق می‌گردد؛ چنانچه، در مجاورت واکه /a/ همخوان چاکنایی وجود داشته باشد، کاهش واکه‌ای صورت نمی‌گیرد. مضافاً، این تغییر واکه‌ای از میان دیدگاه‌های پیش‌گفته بر تقسیم‌بندی کراسوایت (۲۰۰۰) منطبق است. بنابر این تقسیم‌بندی، این کاهش از نوع رسایی-بنیاد محسوب می‌شود؛ زیرا، پس از انتقال جایگاه تکیه در نتیجه وندافزایی، از میزان رسایی آن هسته نیز کاسته شده تا به لحاظ برجستگی با محیط وقوع همگون گردد. از طرفی، بررسی در چارچوب انگاره [AIU] نیز نشان داد که در تغییر /a/ به /e/ با شرط واژگونی هسته روبرو هستیم. از نظر کراسوایت، مقوله [A] در هسته واکه واقع در هجای بی‌تکیه قرار نمی‌گیرد، که البته، مثال نقیض آن در کاهش /a/ به /o/ در بافت‌های بی‌تکیه گویش مزینانی مشاهده شد. مقایسه داده‌های این گویش با موارد نظیر آنها در گونه معیار در همین زمینه نیز نشان داد که این گویش دقیقاً عکس گونه معیار عمل می‌کند. واژگان کلیدی: کاهش رسایی-بنیاد؛ کاهش واکه‌ای؛ گویش مزینانی؛ هجای بی‌تکیه؛ نظریه بهینگی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸

1. dr.sarsarabi@cfu.ac.ir

2. mazinani3849@gmail.com

پست الکترونیکی:

۱. مقدمه

از نظر کنستویچ، واکه‌ها در محیط بی‌تکیه تقابل خود را از دست داده، به همدیگر تبدیل می‌شوند (۱۹۹۴: ۴۸). در ادبیات پژوهش‌های واج‌شناختی، از این تغییر که غالباً در گفتار سریع محاوره‌ای و در هجای بی‌تکیه صورت می‌گیرد به کاهش واکه‌ای تعبیر می‌شود. به عنوان نمونه، در زبان انگلیسی دو واژه *can* و *have* به صورت عادی و دارای استرس [hæve & kæn] ادا می‌شوند؛ اما، هسته همین دو واژه در گفتار سریع، بویژه هنگامی که بدون تکیه ادا می‌شوند، به شوا [həve & kən] بدل می‌شود. کراسوایت^۲ (۲۰۰۰) با توصیف و تبیین چنین پدیده‌ای در چند زبان مختلف، سعی کرده با طرح مبحث برجستگی^۳، تناقض ظاهری موجود میان گرایش‌های طبیعی در تحولات حاصل از کاهش واکه‌ای را تبیین نماید، و در این راستا، انواع کاهش را به دو دسته رسایی-بنیاد^۴ و تقابل‌افزایش تقسیم می‌کند. وی با عنایت به دو ویژگی رسایی و تکیه‌داری، نقش برجستگی در ادراک و ارتباط آن به این دو نوع کاهش را این‌گونه توضیح می‌دهد: هرچه واکه‌ای رساتر باشد برجسته‌تر ادراک می‌شود. هجای تکیه‌بر نیز از هجای بی‌تکیه برجسته‌تر تولید می‌شود. با ترکیب این دو مشخصه می‌توان به دو گرایش طبیعی متفاوت دست یافت.

در کاهش واکه‌ای رسایی-بنیاد، تحول واکه‌ها به نحوی است که از میزان رسایی یا برجستگی آنها در هجای بی‌تکیه کم شده و به نوعی همگونی هسته با محیط رخ می‌دهد. کنستویچ (۱۹۹۴):

(۲۵۴) سلسله مراتب رسایی واج‌ها را - از راست به چپ - به صورت زیر نشان داده‌است:

۱) واکه‌های افتاده < واکه‌های میانی < واکه‌های افراشته < واکه مرکزی (شوا) < غلت‌ها < روان‌ها < خیشومی‌ها < گرفته‌ها

با توجه به ترتیب فوق، میانی شدن واکه‌های افتاده و یا تبدیل واکه‌های میانی به افراشته در محیط بی‌تکیه کاهش واکه‌ای رسایی-بنیاد تلقی می‌شود. این فرایند در زبان بلغاری دیده می‌شود:

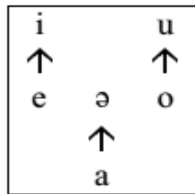
۱- vowel reduction

۲- Crosswhite

۳- prominence

۴- sonority-driven reduction

۵-contrast-enhancing reduction



(۱) خنتی شدگی واکه ها در زبان بلغاری (کراسوایت، ۲۰۰۰، ص ۳)

اما، برخلاف کاهش رسایی بنیاد، آنچه در نوع دیگر کاهش در نگاه کراسوایت اهمیت دارد هدف بودن واکه‌های جانبی [i, u, a] در نتیجه‌ی تغییر است. در این نوع تغییر، واکه‌های میانی، افراشته شده به [i, u] و یا افتاده شده و به [a] بدل می‌شوند. از آنجا که در این نوع کاهش، نقش تقابلی سایر واکه‌ها در محیط بی‌تکیه به واکه‌های جانبی مذکور واگذار می‌گردد به این نوع تغییر واکه، کاهش تقابل‌افزا گفته می‌شود. علت این نوع تغییر، به ماهیت و ویژگی‌های خاص واکه‌های جانبی نسبت داده شده‌است.

از طرفی، هریس (۲۰۰۵) نیز با مطالعه‌ی کاهش واکه‌ای در چند زبان نظیر بلاروس، بلغاری، و نئوپلیتان ایتالیایی، این فرایند را به دو دسته کاهش مرکزگریز و کاهش مرکزگرا تقسیم کرده‌است. در کاهش واکه‌ای مرکزگریز، گرایش تغییر هر واکه، همانند کاهش تقابل‌افزا در تقسیم‌بندی کراسوایت، به سوی واکه‌های جانبی است. واکه‌های میانی [e] و [o] تنها در هجاهای تکیه‌بر دیده می‌شوند و در صورت قرار گرفتن در هجاهای بدون تکیه کاهش یافته و از طریق ارتقا و یا تنزل به واکه‌های جانبی [i, u, a] گرایش می‌یابند.

در کاهش مرکزگرا، در تقسیم‌بندی هریس (۲۰۰۵)، گرایش تغییر واکه‌ی هجای بی‌تکیه به سوی مرکز است؛ به عبارتی، واکه‌ای که تکیه‌اش را از دست داده به واکه‌ای نزدیک به مشخصات [ə] بدل می‌شود. از نظر هریس، یافتن زبانی که در آن کل نظام واکه‌ای در اثر کاهش به [ə] بدل شود، غیرممکن است؛ از این رو، این نوع کاهش غالباً با کاهش مرکزگریز همراه است. به عبارت دیگر، واج‌گاه برخی از واکه‌ها به سوی مرکز و واج‌گاه واکه‌های دیگر به سوی واکه‌های جانبی می‌گراید.

در پژوهش شیخ سنگ تجن و بی جن خان (۱۳۸۹) بر روی زبان فارسی محاوره‌ای، کاهش واکه‌ای به دو صورت کاهش واکه‌ای آوایی و کاهش واکه‌ای واجی تقسیم شده‌است؛ در واقع،

گرایش واکه‌ها به سوی واکه‌های دیگر که در گفتار سریع محاوره‌ای و غالباً در هجاهای بدون تکیه روی می‌دهد، کاهش واکه‌ای آوایی محسوب می‌شود. اما، کاهش واکه‌ای واجی عبارت از تغییر و دگرگونی واکه‌ها در هجاهایی است که به دلیل افزوده شدن وند به آنها تکیه خود را از دست می‌دهند. در واقع، معمولاً پس از فرایند وندافزایی، تکیه از هجای حامل خود به سمت وند جذب شده و در نتیجه، واکه در هجای ضعیف و بدون تکیه قرار می‌گیرد و به نوعی از موارد پیش‌گفته کاهش می‌یابد.

نمونه‌ای از کاهش واکه‌ای واجی با تعریف فوق را در گویش فارسی مزینانی (سبزوار-خراسان رضوی) می‌توان یافت. واکه‌ی افتاده و پیشین /a/، پس از تغییر جایگاه تکیه کلمات در اثر وندافزایی و یا ترکیب و قرار گرفتن در محیط بی‌تکیه به واکه میانی و پیشین /e/ تبدیل می‌شود: این تبدیل در واژه‌ی وندافزوده‌ی «مردها» (مثال ۲) نشان داده شده است؛ این نمونه، نشان می‌دهد که پس از افزودن تکواژگونه‌ی جمع (-α) به واژه‌ی مرد، تکیه به هجای حامل این وند منتقل شده و در پی آن تغییر (a > e) در محیط بدون تکیه اتفاق افتاده است.

2) 'mard + -α > mer'dα

در این مقاله سعی شده، پس از معرفی اجمالی چند فرایند واجی مشهود، کاهش واکه‌ای مذکور در گویش مزینانی - که در دهستان مزینان واقع در شهرستان سبزوار از توابع شرقی استان خراسان رضوی بدان تکلم می‌شود - در چارچوب نظریه‌ی بهینگی توصیف و انطباق آن بر تقسیم‌بندی‌های شیخ سنگ تجن و بی‌جن‌خان (۱۳۸۹)، کراسوایت (۲۰۰۰)، هریس (۲۰۰۵)، انگاره [AIU] اندرسون (۱۹۹۶) بررسی گردد. بنابراین، در این تحقیق در پی پاسخ به سوالات زیر خواهیم بود:

در چارچوب تقسیم‌بندی کاهش واکه‌ای به انواع رسایی-بنیاد، تقابل‌افزا، مرکزگرا، و مرکزگریز، کاهش واکه‌ی پیشین افتاده /a/ در گویش فارسی مزینانی از چه نوع است؟ آیا در این گویش، محدودیتی برای این کاهش وجود دارد؟ در صورت وجود، علت آن چه عاملی می‌تواند باشد؟

۲. پیشینه تحقیق

با عنایت به این که گویش مورد وصف در این پژوهش، گونه‌ای از گونه‌های متنوع زبان فارسی به شمار می‌آید، پیشینه‌ی مطالعاتی در سه بخش قابل ارائه است: درابتدا، شیخ سنگ تجن و

بی‌جن‌خان (۱۳۸۹، ۱۳۹۲) و صادقی (۱۳۹۴) به عنوان پژوهش‌هایی که فرایند کاهش واکه‌ای را در گونه‌ی گفتاری فارسی معیار مورد بررسی قرار داده معرفی خواهند شد؛ سپس، به چند نمونه از پژوهش‌های انجام شده بر چگونگی این فرایند در گویش‌های دیگر فارسی نیز اشاره خواهد شد. در انتها نیز به اختصار به چند پژوهش که ابعاد زبان‌شناختی دیگری از گویش مزینانی را ثبت کرده‌اند اشاره خواهد شد.

۲ - ۱. کاهش واکه‌ای در فارسی محاوره‌ای

شیخ سنگ تجن و بی‌جن‌خان (۱۳۸۹) فرایند کاهش واکه‌ای آوایی در فارسی محاوره‌ای را با توجه به نظریه‌های کراسوایت (۲۰۰۰) و هریس (۲۰۰۵) مورد بررسی آزمایشگاهی قرار داده‌اند؛ این بررسی نشان داده که در محاوره‌ی فارسی‌زبانان، واکه‌های پایدار در هجای بدون تکیه تغییر چندانی نمی‌کنند؛ حال آنکه، واکه‌های ناپایدار به ویژه /a/ و /e/ در چنین هجاهایی به نسبت بسیار زیادی به یکدیگر و واکه‌های پایدار گرایش می‌یابند؛ از این رو، این نتیجه گرفته شده که کاهش واکه‌ای در زبان فارسی از الگویی تلفیقی (hybrid) تبعیت می‌کند.

این دو آواشناس (۱۳۹۲)، در کار مشابه دیگری، واکه‌های زبان فارسی معیار را بر حسب متغیرهای سازه‌های اول و دوم (F1 و F2)، بسامد پایه (F0)، شدت (انرژی) و دیرش در هجاهای CV گفتار اظهاری (همخوان‌ها و واکه‌های زبان فارسی)، به لحاظ صوت‌شناختی بررسی کرده‌اند. در این بررسی، میانگین دیرش واکه‌ها نیز محاسبه شده است. این دو پژوهش‌گر نزدیک بودن مقدار میانگین برخی واکه‌ها به یکدیگر براساس دست کم یکی از متغیرهای F1 و F2 را دلیلی قانع‌کننده برای کاهش و نیز گرایش واکه‌های ناپایدار مانند /a/ به واکه‌های پایدار مانند /a/ برشمرده‌اند. آنها متغیرهای بسامد پایه و انرژی واکه‌ها در بافت همخوانی، شامل همخوان‌های گرفته واکدار و بیواک، و همخوان‌های گرفته واکدار و رسا را نیز محاسبه کرده و چنین نتیجه گرفته‌اند که بافت همخوانی مجاور پیشین، در F0 و انرژی واکه‌ها اثری ندارد.

صادقی (۱۳۹۴) نیز به صورت آزمایشگاهی، کاهش واکه‌ای را در زبان فارسی بررسی کرده است. نتایج تحقیق وی نشان داده که دیرش واکه‌های تکیه‌بر به طور منظم و مستقل از نوع واکه و بافت همخوانی از واکه‌های بدون تکیه بیشتر است. اما تغییرات فرکانس سازه‌ها تا حد زیادی وابسته به نوع واکه است. بیشتر واکه‌ها تغییرات فرکانسی کمی دارند و جهت‌گیری تغییرات آنها به سمت مرکز فضای واکه‌ای صورت نمی‌گیرد. هرچند، واکه‌ی /a/ تغییرات بیشتری داشته و

جهت تغییرات آن نیز به سمت مرکز است. صادقی بر این باور است که نتایج به دست آمده از این بررسی، نظریه‌ی پراکندگی شنیداری درک گفتار را تأیید می‌کند. بر اساس این نظریه، توزیع یا باز توزیع عناصر واجی در فضای آوایی یک زبان به گونه‌ای صورت می‌گیرد که تقابل شنیداری آنها با یکدیگر به حداکثر میزان ممکن برسد.

هم‌راستا با تحقیق فوق، صادقی و منصوره دشت (۱۳۹۴) پیش‌بینی‌های دو دیدگاه پراکندگی شنیداری درک گفتار و مرکزی‌شدگی در ارتباط با تغییر کیفیت واکه در زبان فارسی را به محک آزمون گذاشتند. در این تحقیق، تغییرات کیفیت واکه‌های فارسی در موضع فاقد تکیه، به عنوان یک جایگاه نوایی ضعیف، با بررسی الگوی تغییرات دیرش و فرکانس سازه‌های F1 و F2 مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که بر خلاف پیش‌بینی‌های دیدگاه مرکزی-شدگی بین کاهش دیرش و کاهش کیفیت واکه در زبان فارسی همبستگی قوی وجود ندارد. با وجودی که دیرش واکه‌ها در موضع فاقد تکیه به طور معناداری کاهش می‌یابد ولی کیفیت واکه‌ها اغلب ثابت است و واکه‌ها، بر خلاف پیش‌بینی‌های این دیدگاه، به سمت نواحی مرکزی فضای واکه‌ای متمایل نمی‌شوند. در مقابل، نتایج به دست آمده با دیدگاه پراکندگی شنیداری مطابقت دارد. همانگونه که این دیدگاه پیش‌بینی می‌کند تغییرات کیفیت واکه‌ها در زبان فارسی محدود به جایگاه اولیه واکه‌ها در فضای واکه‌ای است. بر این اساس، از نظر این دو محقق، زبان فارسی به لحاظ رده‌شناسی الگوی واجی تکیه وازگانی جزء زبان‌هایی قرار می‌گیرد که در آنها فرایند کاهش واکه‌ای وجود ندارد.

۲ - ۲. کاهش واکه‌ای در کرمانی و گیلکی

هدف از مقاله‌ی ابوالحسنی‌زاده و عبدالعلی‌زاده (۱۳۹۲) نیز مطالعه‌ی کاهش واکه‌/æ/ در لهجه‌ی کرمانی است. این دو محقق، برای بررسی کاهش این واکه در لهجه کرمانی، از تلفظ ۶ نفر گویشور مرد بهره‌گرفته‌اند که سه نفر از آنها گویشور بومی لهجه کرمانی و سه نفر دیگر گویشور بومی لهجه معیار بودند. نتایج این تحقیق نشان داده است که دیرش، انرژی و فرکانس پایه‌ی این واکه در لهجه کرمانی کمتر از دیرش، انرژی و فرکانس پایه‌ی آن در فارسی معیار است. همچنین، این نویسندگان این کاهش واکه‌ای در لهجه کرمانی را از نوع کاهش مرکزگرا تشخیص داده‌اند.

حوزه‌ی گسترده‌ی بررسی کاهش واکه‌ای به گویش گیلکی نیز رسیده است. هدف از انجام مطالعه شیخ سنگ تجن، و باحور (۱۳۹۸)، مقایسه و بررسی واکه‌های گیلکی در هجاهای تکیه‌بر و

بدون تکیه بوده است تا بر اساس نظریات کراسوایت (۲۰۰۰) و هریس (۲۰۰۵) به فضای واکه‌ای در گویش گیلکی بر اساس واکه‌های اظهاری و کاهش یافته دست یابند. روش تحقیق، توصیفی/تحلیلی است و جمع‌آوری داده‌ها به صورت میدانی انجام شده است. نتایج پژوهش نشان داده است که کاهش واکه‌ای در زبان گیلکی در بیشتر واکه‌ها از نوع مرکزگرا و در برخی دیگر از نوع مرکزگریز است. کاهش تقابل افزا و کاهش رسایی- بنیاد نیز در برخی از واکه‌ها مشاهده شده است.

۲-۳. پژوهش‌های زبان‌شناختی بر گویش مزینانی

مزینانی (۱۳۸۷) پژوهشی همزمانی-در زمانی به شمار می‌آید و در کنار بررسی ویژگی‌های بازمانده از پی‌بست‌های ضمیری فارسی میانه در گویش مزینانی، با ارایه چند استدلال نحوی، در چارچوب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، مطابقت مفعولی را در زبان فارسی رد می‌کند. وی با معرفی مضاعف‌سازی واژه‌بست در زبان فارسی، از ساخت‌های ناشی از این فرایند با عنوان ساخت‌های واژه‌بست-همزاد یاد می‌کند.

مزینانی (۱۳۹۵)، با رویکردی توصیفی-انتقادی و هدف ثبت و ضبط ویژگی‌های ساختواژی افعال گویش مزینانی صورت گرفته است. در این تحقیق، ساختمان درونی افعال حال ساده و وجه التزامی آن، ماضی ساده، ماضی نقلی، منشأ و حضور «است» در صیغگان آن و نیز آینده ساده توصیف شده و در برخی موارد با نظیر خود در گونه‌ی معیار و فارسی میانه مقایسه شده‌اند. برخی از نتایج این تحقیق عبارتند از: الف) شناسه‌های فاعلی این گویش همبستگی بیشتری با نظیر خود در فارسی میانه نشان می‌دهند تا فارسی معیار؛ ب) ساخت ماضی ساده نیز به دو شیوه، یکسان با معیار و متفاوت با آن، به چشم می‌خورد؛ ج) ساخت ماضی نقلی این گویش، بازمانده‌ی تلفیقی از دو سازوکار نقلی‌سازی در دوره‌ی میانه تلقی و ساختار درونی آن به صورت «صفت مفعولی + تکواژ نمود ماضی نقلی + شناسه فاعلی» قلمداد شده و این نتیجه به گونه‌ی معیار تعمیم داده شده است.

تحقیق مزینانی، کامبوزیا، و گلفام (۱۳۹۴)، به ثبت ویژگی‌های واژنحوی واژه‌بست‌های ضمیری گویش فارسی مزینانی و کاربرد آنها در ساخت‌های دومفعولی می‌پردازد. طبق این بررسی، واژه‌بست‌های ضمیری این گویش مزینانی در مجاورت بلافصل فعل ظاهر شده و برخلاف

فارسی معیار به تکواژهای امر، نهی، و نفی و سازه‌های نحوی در نقش مفعول مستقیم و غیرمستقیم - یا حالت‌های برایی، به‌ای، ازی و بایی - نیز می‌پیوندند.

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و با هدف ثبت برخی از فرایندهای واجی مشهود در گویش فارسی مزینانی بخصوص فرایند کاهش واکه‌ای واجی و تحول واکه‌ای /a/ صورت می‌گیرد. در این پژوهش، بیش از ۱۰۰۰ واژه‌ی پربسامد فارسی استخراج شده و تلفظ آنها به گویش مورد وصف و با الفبای IPA واج‌نویسی شد؛ علاوه بر این که یکی از نگارندگان گویشور بومی است، جهت واج‌نویسی، از ۳ نفر دیگر نیز خواسته شد که به صورت انفرادی واژه‌های مذکور را به گویش مزینانی ادا کنند؛ سپس، با توجه به فرایندهای واجی، واژه‌ها دسته‌بندی شده و برخی از آنها در این مقاله ثبت شده‌است (حدود ۱۰۰ واژه). در ادامه، پس از توصیف کاهش واکه‌ای مذکور در این گویش، تبیین آن مبتنی بر نظریه‌ها و تقسیم‌بندی‌های شیخ سنگ تجن و بی‌جن خان (۱۳۸۹)، کراسوایت (۲۰۰۰)، هریس (۲۰۰۵)، انگاره [AIU] اندرسون (۱۹۹۶) و بهینگی صورت خواهد گرفت.

۴. توصیف و تبیین کاهش واکه‌ای در گویش مزینانی

زبان‌شناسان درباره‌ی وجود شش واکه /a/, /o/, /u/, /a/, /e/, /i/ در نظام آوایی زبان فارسی اتفاق نظر دارند (ثمره، ۱۳۶۴: ۱۰۴). در تقسیم‌بندی سنتی و متأثر از علم عروض، واکه‌های /u, a/، آرا کشیده و گروه /o, a, e/ را واکه‌های کوتاه می‌نامند. اما، اکثر زبان‌شناسان معاصر، کشش این دو دسته واکه را در هجای تکیه‌بر تقریباً مساوی می‌دانند. البته، تنها جایگاهی که کشش در میان این دو گروه قابل ملاحظه است، جایگاه بدون تکیه و هجای باز است که در آن واکه‌های /o, a, e/ کوتاه‌تر از گروه /u, i, a/ می‌باشند. به همین دلیل، از نظر برخی (نک. هاج، ۱۹۵۷: ۳۵۷؛ لازار، ۱۹۹۲: ۱۲) کشش عامل مناسبی در تمایز و طبقه‌بندی این دو دسته واکه در زبان فارسی نیست.

البته، لازار (۱۹۹۲) در بررسی دیگری واکه‌های فارسی را به دو دسته واکه‌های پایدار /u, i, a/ و واکه‌های ناپایدار /o, e, a/ نیز تقسیم می‌کند (ص ۱۷). در این زمینه، باور بر این است که واکه‌های پایدار دارای دیرش ثابتی اند و کیفیت‌شان در طول گفتار محاوره‌ای تغییرات اساسی

نمی‌کند. بر عکس، واکه‌های ناپایدار دیرش متغیر دارند و کیفیت‌شان تغییرپذیر است. این واکه‌ها در همگونی واکه‌ای شرکت فعال دارند، به‌آسانی به واکه‌های دیگر تبدیل می‌شوند و به‌ندرت، تحت تأثیر محیط همخوانی قرار می‌گیرند. در میان واکه‌های ناپایدار، گرایش به تغییر، بسیار زیاد است. این واکه‌ها در جایگاه‌های بدون تکیه، کوتاه‌تر از جایگاه‌های دیگر و همچنین کوتاه‌تر از /u, i, a/ هستند (ثمره، ۱۳۶۴: ۱۸ - ۱۹).

گویش فارسی مزینانی نیز از این قواعد مستثنی نیست، اما، این گویش علاوه بر شش واکه‌ی مذکور، دارای واکه مرکزی /ə/ و واکه‌ی افراشته، پیشین و گرد /y/ نیز می‌باشد که در اصل حکم واج‌گونه دارند. علاوه بر این که در گفتار سریع، واکه‌های /o/, /e/, /a/ ممکن است به سمت مرکز گرایش پیدا کنند، برای شکستن خوشه‌های همخوانی پایانی - غالباً واژه‌های قرضی عربی - از درج واکه‌ی مرکزی استفاده می‌شود:

جدول ۳: درج /ə/

واژه	واج نویسی
سطل	satəl
فکر	fekər
عمر	ʔomər
قبل	Gabəl

اما، واکه‌ی /y/ در بافت‌های خاصی و در نتیجه‌ی همگونی واکه با همخوان به وجود آمده است.

این تغییر به نحو زیر اتفاق می‌افتد:

3) u → y / C1 — C2 C2 = +coronal

واکه پسین، افراشته و گرد به واکه‌ی پیشین، افراشته و گرد تبدیل شده در کلماتی که قبل از یک همخوان تیغه‌ای واقع شده است. نمونه‌هایی از این تحول تاریخی در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۴: تبدیل u به y

صورت املائی	واج نویسی گونه معیار	واج نویسی گویش مزینانی
کوچه	kuče	kyča
دور	dur	dyr
دوش	duš	dyš
گور	gur	gyr

جدول فوق، غیر از ارایه‌ی نمونه‌هایی از واژگان دارای واکه‌ی /y/ تفاوت دیگری را نیز بین گونه‌ی معیار و گویش مزینانی گوشزد کرده که در واژه‌ی «کوچه» به چشم می‌خورد: به لحاظ تاریخی، واکه /a/ پایانی، در گونه‌ی معیار به /e/ تبدیل شده، اما در گویش مزینانی حفظ شده است (راننده: ranenda؛ گربه: gorba؛ نامه: nama؛ گفته: gofta)؛ در عوض، این واکه در گویش مزینانی به شدت گرایش به کاهش در محیط بی‌تکیه نشان می‌دهد به نحوی که در بسیاری از کلمات جای خود را به /e/ داده است. جدول ۵ نمونه‌هایی از این داده‌ها را نشان می‌دهد:

جدول ۵: تبدیل تاریخی /a/ به /e/ در هجای بی‌تکیه

صورت املائی	واج‌نویسی گونه معیار	واج‌نویسی گویش مزینانی
مردم	mar'dom	mer'dem
گندم	gan'dom	gen'dem
تنور	ta'nur	te'nyr
زمین	za'min	ze'mi(n)
سوار	sa'var	se'war

حفظ واکه‌ی /a/ در موضع پایانی داده‌های گویش مزینانی و در عوض، تغییر تاریخی آن در محیط بدون تکیه به وضوح نشان می‌دهد که این گویش دقیقاً عکس گونه‌ی معیار عمل کرده است. جدول ۶، داده‌هایی دوهجایی را نشان می‌دهد که در آنها پس از وندافزایی مجدداً تفکیک هجایی صورت گرفته است:

جدول ۶: کاهش واکه‌ی /a/ در هجاهای باز و بسته

واکه a دارای تکیه	همان واکه بدون تکیه	صورت املائی
bad	be'da	بدها
dar	de'ra	درها
sar	se'ra	سرها
zan	ze'na	زن‌ها
xar	xe'ra	خرها
sard	ser'di	سردی
garm	ger'mi	گرمی
mard	mer'di	مردی
talx	tel'xi	تلخی
Gasəb	Ges'bi	غصبی

در این جدول پنج واژه‌ی آغازین وندافزوده (تصریفی با تکواژ جمع)، داری هجای فاقد تکیه‌ی باز و پنج واژه‌ی آخر (مشتق با وند اسم‌ساز -i) دارای هجای فاقد تکیه‌ی بسته هستند. کاهش واکه در هر دو بافت این نتیجه را به دست می‌دهد که باز و بسته بودن هجا هیچ تاثیری در انجام این فرایند در گویش مزینانی ندارد. به عبارت دیگر، پس از انتقال جایگاه تکیه در اثر وندافزایی و یا ترکیب، واکه‌ی /a/ در هر هجای بی‌تکیه‌ای که باشد به /e/ تبدیل می‌شود. در جدول ۷ نیز داده‌های مشتق چندهجایی ارایه شده‌است:

جدول ۷: کاهش واکه پس از وندافزایی با تکواژ اشتقاقی -i اسم‌ساز

واکه a دارای تکیه	همان واکه بدون تکیه	صورت املایی
beste'ni	beste'ni	بستی
šekes'tan	škeste'ni	شکستی
gof'tan	gote'ni	گفتنی
mor'dan	morde'ni	مردنی
ra'Gan	raGe'ni	روغنی

داده‌های جدول‌های ۶ و ۷، فراگیر بودن کاهش واکه‌ی /a/ در محیط بدون تکیه‌ی ناشی از انتقال جایگاه تکیه به تبع وندافزایی را به وضوح نشان می‌دهد. اما، محدوده‌ی داده‌ها صرفاً به کلمات وندافزوده ختم نمی‌شود، بلکه، کاهش واکه‌ای پس از ترکیب نیز دیده می‌شود. جدول ۸، نمونه‌هایی از این داده‌های مرکب را قبل و بعد از ترکیب نشان می‌دهد:

جدول ۸: کاهش واکه پس از فرایند ترکیب

واکه a قبل از ترکیب	همان واکه پس از ترکیب	صورت املایی
'xar	xer'gyš	خرگوش
'šahər	še:r'ba.ni	شهربانو
'das(t)	des'pox(t)	دست‌پخت
ger'dan	gerden'ban(d)	گردن‌بند
'sar	serma.'ya	سرمایه

در جدول ۹ نیز ده واژه‌ی مشتق با ده وند اشتقاقی مختلف ثبت شده‌است. در مجموع، داده‌های گردآوری شده زبانی این فرایند را در گویش مزینانی نشان می‌دهد:

جدول ۹: کاهش واکه پس از اشتقاق با وندهای مختلف

واکه a دارای تکیه	همان واکه پس از اشتقاق	صورت املایی
-------------------	------------------------	-------------

چنگال	čeng-αl	'čang
دردمند	derd-mand	dard
مردانه	merd-a.na	mard
دروگر	derew-gar	deraw
دربان	der-bu	dar
سنگدان	sen-du	sang
درگاه	der-ga	sar
دسته	dest-a	das(t)
بسته	best-a	bas(t)
غمگین	Gem-gin	Gam

با وجود این زایایی، بررسی واژگان بیشتر، داده‌هایی فراروی نگارندگان قرار داد که همین واکه با وجود قرار گرفتن در محیط بدون تکیه پس از وندافزایی و یا ترکیب حفظ می‌شود. جدول ۱۰ نمونه‌هایی از این دست را نشان می‌دهد:

جدول ۱۰: حفظ و کاهش نیافتن واکه‌ی /a/ در محیط بی تکیه

واکه a دارای تکیه	همان واکه بدون تکیه	صورت املایی
'ham	ham'zαd	هم‌زاد
'ham	ham'das(t)	هم‌دست
'ham + 'αn	ha'mu	همان
'har + 'dzα	hardzo'ji	هرجایی
'har + 'dam	hardem'bil	هردم‌بیل

با ملاحظه‌ی داده‌های جدول ۱۰ می‌توان دریافت که در مجاورت واکه‌ی /a/ همخوان چاکنایی وجود دارد. یکی از ویژگی‌های همخوان‌های حلقی و چاکنایی این است که واکه‌ی مجاور خود را متحول و دارای ویژگی‌ی {+افتاده} کرده یا متمایل به همجواری با چنین واکه‌هایی هستند (کنستویچ، ۱۹۹۴: ۳۳). نظیر این اتفاق یعنی افتاده شدن واکه‌ها در مجاورت چاکنایی‌ها در گونه‌ی معیار نیز دیده می‌شود؛ کامبوزیا (۱۳۸۵: ۱۹۱-۱۹۲) داده‌هایی را لیست کرده که در آنها واکه‌های /e/, /a/, /o/ در محیط قبل از ha و ?a به /α/ تبدیل می‌شوند. واژگان معاد /mα?ad/

، لحاف /lohaf/، دهات /dahat/، اشتها /peštaha/ و شعار /šaʔar/ از این دست اند. لازم به ذکر است تغییر واکه‌ای در این داده‌ها از منظر همگونی واکه‌ای بررسی شده است. به هر حال، تحول تاریخی واکه‌ها در گویش مزینانی نیز بر تحلیل و برداشت فوق صحه می‌گذارد؛ جدول ۱۱ داده‌هایی را نشان می‌دهد که تحول تاریخی پیش‌گفته در محیط بدون تکیه یعنی تحول /a/ به /e/ در آنها صورت نگرفته است:

جدول ۱۱: حفظ تاریخی واکه‌ی /a/ در محیط بی‌تکیه

واچ‌نویسی	صورت املائی
ha'səb	حساب
šaʔa'la	شعله
mahab'bat	محبت
ʔa'dab	ادب
ʔare'bi	عربی

مجموع داده‌ها و جداول فوق این نتیجه را به دست می‌دهد که بین تحول تاریخی واکه‌ی /a/ در این گویش و کاهش آن در محیط بی‌تکیه همسویی وجود دارد. چنان‌که در بالا نیز بدان اشاره شد، واکه /a/ در گروه واکه‌های ناپایدار /o, e, a/ قرار گرفته است؛ از طرفی، تغییر مذکور در گویش مزینانی، یعنی /a/ به /e/، از نوع تغییر ناپایدار-به-ناپایدار محسوب می‌شود. پرمون (۱۳۷۵: ۱۴۱) همین واکه را، که البته با نماد /æ/ ثبت شده، ذاتاً کوتاه‌تر از واکه‌های نظیرش در فارسی معیار می‌داند و معتقد است که این نکته توجه مناسبی برای فرآیند مرکزی‌شدگی در گونه کرمانی می‌باشد.

البته، شایان ذکر است که جایگزینی واکه‌های /a/ و /e/ تنها تفاوتی است که در برخی از تکواژگونه‌ها محسوب می‌شود و تبدیل این دو واکه تأثیری در درک واژه‌ها نمی‌گذارد. به عنوان مثال، panjere/panjare و češm/čašm از مواردی اند که جایگزینی واکه /a/ به /e/ مشکل ادراکی و تغییر معنایی ایجاد نمی‌کند. از نظر پی‌سیکوف، گرایش به کوتاه شدن در حالت بی‌تکیه و نیز گرایش به از دست دادن وضوح کیفی در این واکه در لهجه تهرانی مشهود است (پی‌سیکوف، ۱۹۶۰: ۳۱-۳۰).

به هر حال، طبق بررسی آزمایشگاهی شیخ سنگ تجن و بی‌جن خان (۱۳۹۲)، میانگین شدت واکه‌های فارسی در رابطه زیر مشهود است:

4) Intensity: $o > a > e > u > i$

شیخ سنگ تجن و بی‌جن خان (۱۳۹۲)

طبق این رابطه، در واکه‌های افتاده و میانی، شدت بیشتر از واکه‌های افراشته است؛ به عبارتی، هرچه از میزان ارتفاع زبان کاسته شود، از مقدار بسامد پایه نیز کم می‌شود و مقدار شدت افزایش می‌یابد. اما، آنچه به بحث حاضر مربوط است این است که میانگین شدت بدست آمده برای /a/ از /e/ بیشتر است. از این منظر، تبدیل /a/ به /e/ در گویش فارسی مزینانی در هجای بی‌تکیه را می‌توان نوعی همگونی با محیط محسوب کرد. به عبارتی، با از دست رفتن شدت مورد نیاز برای تکیه بر ادا کردن یک هجا پس از ترکیب یا وندافزایی، هسته این هجا نیز شدت لازم را از دست داده و به واکه‌ای تبدیل می‌شود که دارای شدت کمتری است. نکته جالبی که بر این نتیجه صحه می‌گذارد این است که طبق مطالعه آزمایشگاهی پیش‌گفته میانگین حاصل برای دیرش /e/ از میانگین دیرش /a/ نیز کمتر است:

5) Duration: $o > a > e > i > u$

شیخ سنگ تجن و بی‌جن خان (۱۳۹۲)

به ادعای برخی از محققان نمی‌توان به یقین تبدیل /a/ به /e/ را از نوع کاهش دانست. اما، به استناد به مطالعات پیشین در زبان فارسی ضمن این تبدیل از میزان دو فاکتور شدت و دیرش کاسته شده است (نیز نک. صادقی، ۱۳۹۴). در همین راستا، از نظر نورد (۱۹۸۶)، ون برگم (۱۹۹۳)، مون و لیندبلوم (۱۹۹۴) نیز واکه‌های کاهش‌یافته، دارای دیرش کوتاه‌تر و یا مرکزی-شدگی بیشتر فرکانس سازه‌ها نسبت به سایر واکه‌ها هستند.

از طرفی، کاهش واکه‌ای در زبان فارسی از سوی شیخ سنگ تجن و بی‌جن خان (۱۳۹۳) در چارچوب انگاره [AIU] اندرسون (۱۹۹۶) نیز بررسی شده است. با توجه به انگاره [AIU] واکه‌ها براساس شکل طیف بسامدی (spectral profile) خود به واکه‌های پایدار و ناپایدار طبقه‌بندی می‌شوند. از این منظر، واکه‌های ناپایدار به دلیل شکل طیف بسامدی خود که ترکیبی از شکل‌های طیف بسامدی واکه‌های پایدار است، به یکی از واکه‌های پایدار یا به یکدیگر تبدیل می‌شوند.

از نظر شیخ سنگ تجن و بی جن خان (۱۳۹۳) براساس انگاره [AIU] می توان کاهش واکه‌ای در زبان فارسی را به لحاظ آکوستیکی توضیح داد و کاهش هر واکه را به فرونشاندن قله‌های انرژی آن واکه نسبت داد. این دو، طبق جدول زیر، مقوله‌های واجی واکه‌های پایدار و ناپایدار زبان فارسی را بر حسب انگاره [AIU] ارائه کرده‌اند:

از این منظر، به عنوان نمونه، در کاهش /e/ به [i] در واژه «دویست» [devist/ to [divist] که به دلیل سرعت گفتار در هجای تکیه بر روی می‌دهد، مقوله [A] موجود در /e/ از بین رفته یا کاهش می‌یابد. به عبارتی، بر این اساس، در فرایند کاهش واکه‌های ناپایدار به واکه‌های پایدار یکی از مقوله‌های واجی آنها حذف می‌شود.

البته، در این چارچوب، تبیین تبدیل واکه‌های ناپایدار به یکدیگر مانند آنچه در گویش مزینانی شاهد هستیم با پیچیدگی بیشتری همراه است. جدول ۱۳ این تغییر را با انگاره مذکور نشان می‌دهد:

جدول ۱۲: مقوله‌های واجی واکه‌های فارسی بر حسب انگاره [AIU] (مأخوذ از شیخ سنگ تجن و بی-جن خان، جدول ۶)

واکه	مقوله واجی	طیف آوایی متناظر
a	[A]	برآمده
i	[I]	تورفته
u	[U]	شیدار
e	[I, A]	برآمده و تورفته
o	[A, U]	برآمده و شیدار
a	[A, I]	برآمده و تورفته

جدول ۱۳: تغییر واکه /a/ به [e] در چارچوب [AIU]

د) زنجیره «چاکنایی+واکه پیشین میانی» مجاز نیست. برای مثال، در کلمات زیر کاهش رخ نمی‌دهد: احسان/عبرت/عنتر/عناَب/انگور/عصمت/عفت/عزت/...
 در میان محدودیت‌های فوق، موارد ج و د از خانواده‌ی محدودیت‌های نشاننداری هستند. بین این دو، محدودیت *ʔ/he بر دیگری تسلط دارد؛ زیرا مانع از کاهش واکه /a/ می‌شود. برای نشان دادن این موضوع، واژه‌ی «هم‌سن» را در تابلو ۱۴ مورد بررسی قرار می‌دهیم:
 تابلو ۱۴: بررسی رقابت درون‌دادها برای حفظ یا تغییر واکه /a/ در واژه «هم» پس از ترکیب با «سن»

/ham+sen/	*ʔ/he	*UNSTRESSED/a
→ 1) [ham'sen]		*
2) [hem'sen]	*! W	L

پس از انجام فرایند ترکیب، «هم» تکیه خود را از دست داده و طبق محدودیت *UNSTRESSED/a کاهش واکه‌ای مورد انتظار است؛ اما، محدودیت *ʔ/he مانع از آن می‌شود. به عبارت دیگر، گزینه‌ی ۲ با وجود تبعیت از محدودیت *UNSTRESSED/a، از محدودیت دیگر تخطی مهلک کرده و از دور رقابت خارج می‌شود. پس خواهیم داشت:

7) *ʔ/he >> *UNSTRESSED/a

با مشخص شدن این مطلب، به تعامل و سلسله مراتب این دو محدودیت نشاننداری با محدودیت‌های پایایی الف و ب فوق می‌پردازیم؛ تابلو ۱۵، تعامل و سلسله مراتب محدودیت‌ها را با واژه «هردم‌بیل» به عنوان درون‌داد نشان می‌دهد:

تابلو ۱۵: بررسی رقابت درون‌دادها برای حفظ یا تغییر واکه /a/ در واژه «هر» پس از ترکیب با «دم+بیل»

/har+dam+bil/	*ʔ/h	IDENT-IO/front	*UNSTRESSED/a	IDENT-IO/low
→ 1) [hardem'bil]	e		*	*
2) [hardam'bil]			**!	
3) [herdem'bil]	*!			**
4) [hardom'bil]		*!	*	*
5) [herdom'bil]	*!	*		**

موارد زیر از تابلو ۱۵ استنباط می‌شود: الف) از آنجاکه واکه‌ی هدف فرایند کاهش در مشخصه‌ی [+پیشین] با واکه‌ی /a/ یکسان است، محدودیت پایایی IDENT-IO/front بر محدودیت *UNSTRESSED/a تسلط دارد- تخطی مهلک گزینه‌ی ۴ در این محدودیت نیز حاکی از این امر است؛ ب) از آنجاکه رتبه‌بندی دو محدودیت نشاننداری *ʔ/he* و پایایی IDENT-IO/low تأثیری در انتخاب گزینه‌ی بهینه و از دور خارج کردن گزینه‌های بازنده ندارد، نمی‌توان هیچ یک را بر دیگری مسلط دانست؛ ج) محدودیت IDENT-IO/low نیز، از آن جهت که راه برای اعمال نفوذ محدودیت *UNSTRESSED/a* باز گذاشته (با درون‌داد فوق، واکه‌ی هجای دوم یعنی dem)، تحت تسلط آن محسوب می‌شود. به منظور اطمینان بیشتر، تعامل محدودیت‌های پیش‌گفته را باری دیگر با واژه «سردی» به عنوان درون‌داد در تابلو ۱۶ بررسی می‌کنیم:

تابلو ۱۶: بررسی رقابت درون‌دادها برای حفظ یا تغییر واکه /a/ در واژه «سردی» پس از اشتقاق

/sard+i/	*ʔ/he	IDENT-IO/front	*UNSTRESSED/a	IDENT-IO/low
→1) [ser'di]				*
2) [sar'di]			*!	
3) [sor'di]		*!		*
4) [sir'di]				**!

موارد زیر از تابلو ۱۶ استنباط می‌شود: الف) محدودیت نشاننداری *ʔ/he* در مورد این درون‌داد کاربردی نداشته و هاشور خورده‌است؛ ب) تنها محدودیتی را که گزینه‌ی بهینه‌ی شماره ۱ نقض کرده، محدودیت پایایی IDENT-IO/low بوده تا بتواند محدودیت نشاننداری *UNSTRESSED/a* را پشت سر گذارد؛ ج) گزینه‌ی ۲ که به طور کامل به درون‌داد وفادار بوده، از *UNSTRESSED/a* تخطی مهلک کرده و از دور رقابت خارج می‌شود؛ د) گزینه‌ی ۳ محدودیت *UNSTRESSED/a* را رعایت کرده، اما از محدودیت پایایی IDENT-IO/front تخطی مهلک نموده است - این امر، بند الف توضیحات تابلو ۱۴ را تأیید می‌کند؛ ه) گزینه‌ی ۴ با وجود رعایت تمامی محدودیت‌های پیش‌گفته، محدودیت پایایی IDENT-

IO/low را دو بار نقض کرده و نقض دوم آن مهلک محسوب می‌شود. با این وصف، ممکن است گفته شود چرا با وجود این که میزان رسایی واکه /i/ از /e/ کم‌تر است کاهش /a/ به /i/ صورت نمی‌گیرد؛ این امر حاکی از این است که محدودیت‌های پایایی، هرچند در پایین‌ترین سطح سلسله مراتب قرار گرفته باشند، مانع از عملکرد نامحدود گرایش‌های طبیعی شده که در نظریه بهینگی به صورت محدودیت‌های نشان‌داری نمایانده می‌شوند.

۵. نتیجه‌گیری

پژوهش ثبت شده در این مقاله با این هدف صورت گرفت که کاهش هم‌زمانی واکه /a/ به /e/ در گویش فارسی مزینانی پس از وندافزایی و ترکیب در چارچوب بهینگی توصیف شده و انطباق آن با تقسیم‌بندی‌های شیخ سنگ تجن و بی‌جن‌خان (۱۳۸۹)، کراسوایت (۲۰۰۰)، هریس (۲۰۰۵)، انگاره [AIU] اندرسون (۱۹۹۶) بررسی شد.



در راستای تحقق این هدف و پاسخ به سؤال اول تحقیق، این نتیجه حاصل شد که تبیین این تغییر واکه‌ای از میان دیدگاه‌های پیش‌گفته با تقسیم‌بندی کراسوایت (۲۰۰۰) انطباق دارد. نتایج بررسی نشان داد که در این گویش، واکه‌ی /a/ در هجای فاقد تکیه‌ی ناشی از انتقال جایگاه تکیه در اثر وندافزایی و یا ترکیب به واکه‌ی /e/ تبدیل شده و این امر با یک درجه افزایش آن محقق می‌گردد؛ با وجود زایا بودن این فرایند، داده‌هایی مشاهده شدند که در آنها واکه‌ی /a/ در مجاورت همخوان چاکنایی قرار داشته و از این رو، کاهش واکه‌ای مذکور صورت نمی‌گیرد. با توجه به این تعمیم و بررسی آن در جداول ۱۶ تا ۱۸، سلسله مراتب محدودیت‌ها در کاهش واکه‌ای مشهود به صورت زیر است:

طبق تقسیم بندی کراسوایت (۲۰۰۰)، کاهش واکه‌ای واجی مورد وصف در این گویش از نوع رسایی بنیاد محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر، واکه‌ی /a/ که در صدر سلسله مراتب رسایی قرار دارد به واکه‌ی کم‌رساتر /e/ تبدیل شده است. مضافاً، در این چارچوب می‌توان این کاهش واکه‌ای را نوعی همگونی به حساب آورد؛ زیرا، در پی از دست رفتن برجستگی محیط وقوع

یک هسته ناشی از انتقال جایگاه تکیه، از میزان رسایی آن هسته نیز کاسته شده تا به لحاظ برجستگی با محیط وقوع یا هجا همگون گردد. با این اوصاف، هسته‌ی کم‌رسا بایستی در هجای بدون تکیه واقع شود.

از طرفی، بررسی در چارچوب انگاره [AIU] نیز نشان داد که در تغییر /a/ به /e/ جایگاه دو مقوله واجی با هم عوض شده است، با این توضیح که در واکه /a/ مقوله [A] در جایگاه هسته واقع شده، اما با کاهش مذکور جای خود را به مقوله [I] در هسته /e/ داده است. به عبارتی، در این کاهش با فرایند واژگونی هسته روبرو هستیم که طبق آن از نظر کراسوایت، مقوله [A] در هسته واکه واقع در هجای بی‌تکیه قرار نمی‌گیرد. با این حال، مثال نقیض این تعمیم در کاهش /a/ به /o/ در بافت‌های بی‌تکیه گویش مزینانی مشاهده شد.

مقایسه داده‌های این گویش با موارد نظیر آنها در گونه معیار نیز نشان داد که حفظ واکه‌ی /a/ در هجای پایانی داده‌های گویش مزینانی (مثل کوزه، نامه و خانه (gofta, nama & xana) و در عوض، تغییر آن به /e/ در محیط بدون تکیه (مثل پنکه، penka) به وضوح نشان می‌دهد که این گویش دقیقاً عکس گونه معیار عمل کرده است.

فهرست منابع و مآخذ

ابوالحسنی زاده، وحیده. عبدالعلی زاده، مریم. (۱۳۹۲). بررسی کاهش واکه‌ای و مشخصه‌های آکوستیکی واکه /æ/ در لهجه کرمانی. *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال اول، ش ۲، صص ۱-۱۴.

پرمون، یدالله. (۱۳۷۵). *نظام آوایی گونه کرمانی از دیدگاه واج‌شناسی زایشی و واج‌شناسی جز مستقل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی.

پی‌سیکوف، ل.س. (۱۹۶۰). *لهجه تهرانی*، ترجمه محسن شجاعی، ۱۳۸۰، تهران: نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

ثمره، یداله. (۱۳۶۴). *آواشناسی زبان فارسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

شیخ سنگ تجن، شهین. باحور، زینب. (۱۳۹۸). کاهش واکه‌ای در گویش گیلکی، هفتمین کنگره ملی پژوهش‌های کاربردی در مطالعات زبان. دسترسی در

<https://civilica.com/doc/989807/>

- شیخ سنگ تجن، شهین. بی جن خان، محمود. (۱۳۹۲). بررسی ماهیت صوت شناختی واکه‌های فارسی در هجا CV گفتار اظهاری. *زبان پژوهی*. سال ۴، ش ۸. صص ۹۷ - ۱۱۷.
- شیخ سنگ تجن، شهین. بی جن خان، محمود. (۱۳۹۳). کاهش واکه‌ای در زبان فارسی بر اساس انگاره [AIU]. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال ۶، شماره ۱، صص ۶۳-۷۶.
- شیخ سنگ تجن، شهین. بی جن خان، محمود. (۱۳۸۹). بررسی کاهش واکه‌ای در زبان فارسی محاوره‌ای، *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال ۲، شماره ۱، صص ۳۵-۴۸.
- صادقی، وحید. (۱۳۹۴). بررسی آوایی کاهش واکه ای در زبان فارسی. *جستارهای زبانی*، دوره ۶، ش ۳، پیاپی ۲۴، صص ۱۶۵-۱۸۷.
- صادقی، وحید. منصوری هره‌دشت، نیلوفر. (۱۳۹۴). کیفیت واکه در زبان فارسی: مقوله‌ای پایدار یا تغییرپذیر؟: یک مطالعه موردی بر روی گویشوران مرد. *پژوهش‌های زبانی*، س ۶، ش ۲، صص ۶۱ - ۸۱.
- کامبوزیا، عالیه کرد زعفرانلو. (۱۳۸۵). *واج‌شناسی قاعده‌بنیاد*. تهران: سمت.
- مزینانی، ابوالفضل. (۱۳۹۵). ساخت افعال گویش مزینانی: پلی از پهلوی به فارسی معاصر. *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، پیاپی ۱۴، صص ۱۴۱-۱۶۲.
- مزینانی، ابوالفضل. (۱۳۸۷). *بررسی پی‌بست‌های ضمیری گویش مزینانی در قیاس با فارسی میانه*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- مزینانی، ابوالفضل. عالیه کامبوزیا. گلفام، ارسلان. (۱۳۹۴). بررسی واژه‌بست‌های ضمیری گویش مزینانی. *ویژه‌نامه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*، دوره جدید، ش ۵، صص ۸۱-۱۰۱.
- Crosswhite, C. (2000). Sonority-Driven Reduction. Presented at BLS 26.
- Crosswhite, C. (2000) *Contrast – Enhancing Vowel Reduction in Bantu tone language: An OT Analysis of Shimakonde*. University of Rochester.
- Harris, J. (2005) *Vowel Reduction as Information Loss*. Department of phonetics and linguistics, University College of London.
- Kenstowicz, Michael. (1994). *Phonology in Generative Grammar*. Cambridge, Mass. & Oxford: Blackwell.
- Lazard, G. (1992). *Gammar of Contemporary Persian*. Mazda publishers.

- Moon, S. J., & B. Lindblom (1994). Interaction between Duration, Context, and Speaking Style in English Stressed Words. *Journal of the Acoustical Society of America*, 96, 40-55.
- Nord, L. (1986). Acoustic Studies of Vowel Reduction in Swedish. *Quarterly Progress and Status Report*, 4, 19-36.
- Van Bergem, D. R. (1993). Acoustic Vowel Reduction as a Function of Sentence Accent, Word Stress, and Word Class. *Speech Communication*, 12, 1- 23.



Vowel Reduction /a/ to /e/ after Affixation in Mazinani Persian Dialect and its Analysis from Different Approches

Sharareh Sadat Sarsarabi¹

Department of English, Farhangiyān University, Mashhad, Iran (Corresponding Author)

Abolfazl Mazinani²

Visiting lecturer of the Department of English Language, Farhangian University, Mashhad, Iran

Received: 05/02/2023

Accepted: 19/09/2023

Abstract

Vowel reduction has been significantly investigated and classified in previous studies, especially by Crosswhite (2000), Harris (2005) and Anderson (1996). The present study was conducted aiming to describe the vowel reduction of /a/ to /e/ after affixation, which is observed in Mazinani Persian Dialect (Sabzvar-Khorasan Razavi) in the framework of Optimality Theory. Then, its compatibility to the aforementioned classifications was tested to explain the reduction. According to generalization obtained from the Optimality analysis, the vowel change /a/ to /e/ occurs in syllables the stress of which is lost after affixation and compounding. However, if there is a glottal consonant such as /h/ or /ʔ/ adjacent to /a/, the reduction will not take place. In addition, the compatibility analysis showed that Crosswhite's classification can be used to justify the happening reduction. In other words, the described reduction was classified as a sonority-driven change. On the other hand, the analysis based on the [AIU] model showed that the /a/ to /e/ reduction implies the process of headedness-reversal. According to Crosswhite, the category [A] can not be the head of the vowel which is located in the nucleus of an unstressed syllable; of course, an opposite example was observed in the reduction of /a/ to /o/ in Mazinani Dialect. The comparison between the dialect's data and their equivalent in Standard Persian showed that these two variant of Persian behave opposite to each other.

Keywords: Mazinani dialect; vowel reduction; sonority-derived reduction; unstressed syllable; optimization theory

1. dr.sarsarabi@cfu.ac.ir

2. mazinani3849@gmail.com